

نظریات علمای بزرگ مسلمان، در باب تربیت کودک

(ابن سینا، غزالی، خواجه نصیر طوسی)

محمد عطاران

قسمت اول

اساس زندگی انسان و هر موجود زنده دیگر - بجز خداوند - بر تحول و تطور بنا شده است و این تغییر در تمام دوران زندگی برقرار است و هر تغییری، مقدمه تغییر بعدی و نتیجه تغییرات قبلی است. ما این تغییرات را در مراحل مختلف به شکل نطفه، جنین، نوزاد، کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال و پیر ملاحظه می‌کنیم. هر یک از این دوران زندگی، از دوره قبل متأثر و در مرحله بعدش مؤثر می‌شود و لذا رواست که بگوییم: «ارکان و پایه‌های اصلی شخصیت انسان بالغ و رشید، به چگونگی دوران کودکی بستگی دارد.» در این دوره است که رفتار کودک - بویژه رفتار عاطفی و اجتماعی - در اثر ارتباط با والدین و اطرافیان تکون می‌یابد. شخص بیشتر عادات دوران حیاتش را در دوران

طفولیت کسب کرده و تقریباً در این مرحله است که کیفیت سازگاری با محیط را در طول زندگی خویش فرا می‌گیرد. از این رو می‌توان گفت در



* تمام مکاتب فکری روان‌شناسی در مورد اینکه دوران شیرخوارگی و کودکی دارای اهمیت برتر در تعیین شکل دادن رفتار و رشد منش آینده می‌باشد، توافق دارند.
* برخی محققان ابن سینارا نخستین دانشمندی دانسته‌اند که در ایران پس از اسلام دربارهٔ تعلیم و تربیت اظهار نظر کرده است.

خردسالی می‌شود کیفیت رفتار شخص را حتی در دوران سالمندی پیش‌بینی کرد؛ همانگونه که حالات کودکی شخص سالمند را می‌توان از رفتارهای فعلی او تشخیص داد؛ چنانکه گزل^۱ می‌گوید: «کودک در پنج سالگی نسخهٔ کوچک شخص جوانی است که بعداً خواهد شد.»^۲

چرا که انسان در مقایسه با سایر جانوران یک دورهٔ طولانی وابستگی را طی می‌کند. و بسیاری از اعمال مانند راه رفتن که در جانوران بطور خودبخودی انجام می‌گیرد؛ در انسان بطور تدریجی باید بوجود آید. لذا تمام مکاتب فکری روان‌شناسی - مورد اینکه دوران شیرخوارگی و کودکی دارای اهمیت برتر در تعیین و شکل دادن رفتار و رشد منش آینده می‌باشد، توافق دارند.^۳

همین اهمیت ویژه دوران کودکی سبب شده است که همهٔ مکاتب روان‌شناسی از بدو ظهورشان به عنوان

مسئله اصلی متوجه آن شده‌اند؛ و همچنین روان‌شناسی کودک به پرسروصداترین قسمت‌های همه مطالعات روان‌شناسی کشانده شده است، مانند اندازه‌گیری هوش بوسیلهٔ بینه (درسال ۱۹۰۸ - ۱۹۰۵م) و نظریهٔ جنسی بیماران روانی بوسیلهٔ فروید (درسال ۱۹۰۵م)^۱

توجه به کودک و عالم طفولیت، آنچنان در قرن معاصر فزونی یافت که برخی مربیان بزرگ - چون مونتسوری^۵ - پیشگویی نمودند که این قرن، قرن کودک خواهد بود؛ و دانشمندانی - چون مارگارت مید^۶ - موضوع کودکی را در این قرن، رقیبی برای هنر، ادبیات و علوم اجتماعی پنداشتند.^۷

ماریا مونتسوری می‌گوید: مهمترین شاخص تربیت نوین، احترام به شخصیت کودک می‌باشد، در آن حد که تا پیش از آن سابقه نداشته است.^۸ بیان مذکور، امری است که می‌توان آن را نسبت به فرهنگ گذشته اروپا تأیید کرد ولی اطلاق آن بر سایر ملل - بویژه جوامع اسلامی - محل تردید - بلکه انکار - می‌باشد. نگاهی گذرا به آثار دانشمندان و متفکران مسلمان - در گذشته و حال - نوع نگرش آنان را به کودک، نمایان ساخته و خلاف مدعای مونتسوری را ثابت می‌کند. کثرت کتبی که در زمینهٔ تعلیم و تربیت از سوی اندیشمندان مسلمان به رشتهٔ تحریر درآمده و در آن مستقلاً بانی را در ارتباط با تربیت کودک گشوده‌اند، گواه اهمیت و ارزش درخور توجهی است که آنان برای کودک و مرحلهٔ کودکی قائل بوده‌اند. گذشته از آن در بسیاری از کتاب‌های تاریخ، ادب، شعر، حدیث، اخلاق



و... می‌توان به نکته‌ها، اندرزاها و داستان‌های تربیتی بسیار در این باره دست یافت.

پس از قرآن کریم واحادیثی که بزرگان علم و دین، آن احادیث را در کتاب‌های متعددی گردآوری و تنظیم کرده و اساس تعلیم و تربیت اسلامی را تشکیل می‌دهد؛ می‌توان به عنوان یکی از کهن‌ترین کتب اسلامی که دربارهٔ تربیت کودک در دست است؛ از «آداب المعلمین نام برد. مؤلف کتاب «محمد بن سحنون مغربی می‌باشد (۲۲۶م ه. ق.). حجم این کتاب اندک بوده و دربارهٔ تعلیم و تربیت و تأدیب کودکان تألیف شده است، همچنین دربارهٔ آداب و روش‌های مربیان و معلمان و از برخی مسائل که به این موضوع وابستگی دارد، بحث می‌کند با اینکه در این کتاب از روش محدثین پیروی شده است، در عین حال نصوص فراوان و مدارک با ارزشی را - که پایهٔ اوضاع تعلیم و تربیت کودک را از زمان ظهور اسلام تا اوائل عصر عباسی تشکیل می‌دهد - به ما ارائه می‌نماید.^۹

ابونصر محمد بن اوزلیغ (۲۵۱ - ۳۳۱) معروف به معلم ثانی نیز از کسانی است که در کتاب «السیاسة»

و «آراء اهل المدينة الفاضلة» از تربیت کودک سخن گفته است. فارابی در این دو کتاب، لزوم مراعات استعداد شاگردان و آشنایی به طبیعت و سرشت آنها را یادآور شده و می‌کوشد آموزگاران را به تهذیب اخلاقی نونهالان، ارشاد و توجیه نماید.

پس از وی باید از «ابوالحسن علی بن خلف قابسی از مردم «قیروان»^{۱۰} و از مربیان برجستهٔ تعلیم و تربیت در قرن چهارم هجری نام برده. او در این کتاب با استمداد از اقوال ابن سحنون دربارهٔ قرآن و روش آموزش آن به کودکان سخن گفته است. همچنین مؤلف دربارهٔ مواد دیگری که باید به موازات تعلیم قرآن به کودکان آموخت و هم در خصوص چگونگی آموزش آنها به بحث پرداخته است.

چندی پس از قابسی، فیلسوف ایرانی، «ابن مسکویه» (۳۲۵ - ۴۲۱) را می‌بینیم که در کتاب خویش «تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق» با «طهارة الاعراق» اشاره به تربیت کودک می‌نماید. ابن مسکویه، بسیاری از مطالب کتاب خود را از کتاب «بروسن» - که او از «پلوتارخوس» نقل نموده - اقتباس کرده و متناسب با محیط اسلامی در آن تغییراتی ایجاد نموده است.

جمعیت اخوان الصفا نیز از جمله کسانی بودند که به موضوع تربیت اهتمام داشته و در رساله‌های پنجاه و دوگانه‌ای که نوشتند، مطالب ارزنده‌ای را دربارهٔ تربیت اطفال بیان داشتند.

در روزگاران ابن مسکویه، می‌توان از ابوعلی سینا (۳۷۰ - ۴۳۸) نام برد که در ضمن تبخیر درهمهٔ دانش‌های عصر خویش به تعلیم و

تربیت توجه کرده و در برخی از کتب فارسی و عربی خویش بویژه — السياسة وقانون — در خصوص تغذیه و بهداشت کودک — آراء مربوطه به تأدیب کودکان و تربیت خردسالان را آورده است. از ابن سینا که بگذریم بهتر است محمد بن غزالی (۴۵۰-۵۰۵) را نام ببریم که بیشتر تألیفات وی آراسته به نکات دقیق در تربیت خردسالان می باشد و کافی است نظری به احیاء العلوم و کیمیای سعادت وی بیفکیم تا صدق این معنا را دریابیم.

برهان الدین زرنوجی (۵۹۱م. ه. ق) ۱۱ را نیز می توان از جمله کسانی دانست که درباره شیوه آموزش کودکان سخن گفته است. کتاب وی به نام «تعلیم المتعلم، طریق التعلیم» سالها در کشورهای ترک زبان ماوراءالنهر و سایر بلاد اسلامی مورد استفاده مربیان و معلمان در امر آموزش اطفال بوده است. ۱۲

عبدالرحمن بن محمد حضرمی ملکی معروف به ابن خلدون (۸۰۸م. ه. ق) از دیگر کسانی است که درباره تربیت کودکان و راه و روش تعلیم آنها، ابتکارهای جالبی دارد. وی با شیوه خاص خویش و غیرمتأثر از آراء یونانیان، فقها و صوفیه، در مقدمه کتاب خود «العبر و تاریخ المبتدء والخبر» به بیان نکاتی در زمینه تربیت اطفال می پردازد.

کتاب «منیة المرید فی آداب المفید والمستفید» تألیف شهید ثانی (۹۱۱ — ۹۶۵م. ه. ق) را نیز باید از جمله کتبی دانست که احیاناً نکاتی درباره شیوه آموزش کودکان داشته اند. گذشته از آنچه که تاکنون برشمردیم — و اندکی بود از آنچه که

در این باره به رشته تحریر و تألیف درآمده است. ۱۳. در ضمن بسیاری از کتاب های تاریخ و ادب و شعر و حدیث و اخلاق می توان به نکته ها، اندرزها و داستان های تربیتی در ارتباط با کودک دست یافت. مکارم الاخلاق طبرسی، المحجة البیضاء ملامحسن فیض کاشانی، گلستان سعدی، کشف المحجوب هجویری، نفحات الانس جامی، اخلاق جلالی جلال الدین دوانی، اخلاق محسنی واعظ کاشفی، اشعار ناصر خسرو، مولوی، نوشته های خواجه عبدالله انصاری و... مشحون از این نکات می باشند.

اجملاً، آنچه تاکنون از تألیفات



*** بررسی نظریات بوعلی سینا، امام محمد غزالی و خواجه نصیر الدین طوسی می رساند که حتی در گذشته مربیان بزرگ ما متوجه اصول تعلیم و تربیت بوده و پیوسته کوشش داشته اند که تعلیمات را بر اصول معینی استوار سازند.**

مربیان مسلمان — در تربیت کودکان — نام بردیم، بیانگر توجه آنان به کودک و ارزش کودک است. مطالعه آثار آن ها می تواند این نکته را روشن تر نموده و آراء و نظرات متفکران مذکور را در این باره، بر همگان آشکار سازد. لذا بر آن شدیم که عهده دار بیان این نظرات شده و به شرح تفصیل آن پردازیم، ولی از آنجا که چنین کاری در حد بررسی آراء تمام مربیانی که ذکر کردیم، کاری نباشد که با تلاش

فردی به انجامی نیکومنتهی شود و سعی و تحقیق جمعی را می طلبد، لذا از آن میان به گزین و انتخاب روی آورده و به بررسی و تحلیل تفکرات تربیتی سه تن از آنان — درباره تربیت کودک — می پردازیم، و این سه تن چه کسانی می توانند باشند جز شیخ الرئیس ابوعلی سینا، ابو حامد محمد غزالی و خواجه نصیر طوسی، اندیشمندانی که هریک از استوانه های تفکر اسلامی محسوب گشته و عمق و گسترش اندیشه شان از زمان خویش فراتر بوده و در عصر خود منشأ تحول فکری عمیقی گشته اند.

اهمیت ابن سینا در علم طب، تشریح، داروسازی، ریاضیات، قصه نویسی فلسفی، شعر فلسفی و امثال آن معروف است. تأثیر ابن سینا در سایر فرهنگ ها از مسلمات است. کتاب شفا وقانون ابن سینا اوج کمالی است که تفکر قرون وسطی بدان دست یافته است. نفوذ وی (ابن سینا) بسیار دامنه دار بود و از دیار مشرق گذشته به آندلس رسید و در فلسفه ابن رشد و ابن میمون اثر گذاشت و به دنیای مسیحی لاتینی و فیلسوفان مدرسی نیز رسید. راجریکن او رابزرگترین استاد فلسفه بعد از ارسطو لقب می دهد و اکویناس از ابن سینا با احترامی چون افلاطون سخن می گوید. ۱۴ برخی محققان وی را نخستین دانشمندی دانسته اند که در ایران پس از اسلام درباره تعلیم و تربیت اظهار نظر کرده است. آراء ابن سینا درباره تربیت کودک را می توان در سه جلد از تألیفات او مشاهده نمود. نخست رساله تدابیر المنازل [السیاسة] که در قاهره و بیروت و بغداد به طبع رسید و به فارسی نیز ترجمه گردیده است. همچنین

در کتاب قانون به بهداشت کودکان و تربیت بدنی ایشان اشاره نموده و در کتاب شفا فصلی را درباره انواع تعلیم آورده است.^{۱۵}

ابوحامد محمد بن محمد بن محمد غزالی طوسی به سال ۴۵۰ هـ. ق در طابران طوس بدنیا آمد پدر غزالی پارسا مردی بوده صوفی مسلک که در شهر طوس حرفه غزالی یا نخ پشم فروشی داشته است.^{۱۶}

زندگی غزالی از تصوف آغاز شد و به همانجا رسید.^{۱۷} فقه، کلام، فلسفه و زندگی در عسکرو نظامیه فقط او را تا یک چند مشغول داشت، تا به همانجا برسد که از اول آغاز کرده بود، نهایت آنکه علاقه وی به تصوف در آغاز تقلیدی بود و در پایان مبتنی بر تحقیق.

تصوفی که در همه حالات، مرجعی جز قرآن و حدیث نمی شناسد. وی به شدت با فلاسفه در نزاع فکری بود و سخنانشان را با شریعت و توحید منطبق نمی یافت. وی در کتاب «تهافت الفلاسفه» به ذکر بیست مسئله از موارد اختلاف شریعت با فلسفه پرداخته، به نقد نظر فلاسفه ای چون ابن سینا در این باره می پردازد و حکما را در سه مسئله از این بیست مسئله یعنی قول به ازلیت عالم و انکار معاد جسمانی و انکار علم خداوند به جزئیات تکفیر کرده و در باقی اهل بدعت شمرده است.^{۱۸}

برخی محققان معتقدند که: «گویا غزالی نخستین کسی است که درباره تربیت کودک به تفصیل سخن گفته و پایه علمی را گذاشته است که یکی از شعب مهم علوم تعلیم و تربیت شمرده می شود.^{۱۹}

فارغ از آن که این سخن را بپذیریم یا در قبولش تردید نماییم غزالی از

معدود کسانی است که در زمینه مذکور سخن فراوان دارد. نظرات او را در این باره می توان در کتب احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت، الادب فی الدین، میزان العمل، ایها الولد و نصیحة الملوک، ملاحظه نمود. مضامین این کتب همگی حکایت از آن دارد که به نظر غزالی، اساس و محور تربیت کودک، باید شریعت و قرآن باشد.

خواجه نیز از محاسن دهر و مفاخر شیعه، بلکه تمامی عالم اسلام و حتی تمامی مشرق زمین بوده است. حدت دانش و نهایت بینش وی شهره آفاق می باشد.^{۲۰} شهرت خواجه نصیر در



*** درباره بوعلی آورده اند که «هرگاه مسئله ای [فکری] بر او مشکل می افتاد، به مسجد جامع می رفت و به تضرع از خدا می خواست تا آن مشکل گشوده شود. [و] از درگاه باریتعالی نیز نومید باز نمی گشت.»**

افطار عالم پیچیده است و بالخصوص به واسطه تألیفاتی که در ریاضیات و هیت کرده است، مورد احترام علمای مغرب زمین است. اگوست کنت در تقویمی که از پیشروان فلسفه تحقیقی ترتیب داده است، اسم خواجه نصیرالدین را بر یکی از روزها و اسم ابن سینا را بر یکی از روزها گذاشته و از اهل علم و قلم ایران همین دو نفر را در آن تقویم ذکر کرده است.^{۲۱} در باره او آورده اند که اسم خواجه

در کلمات اکثر اجله با عبارات متنوعه «محقق طوسی»، «افضل المتکلمین»، «سلطان الحکماو المحققین»، «استاد البشر»، «علامة البشر»، «عقل حاد بعشر» و نظایر این ها موصوف است.^{۲۲}

آراء و عقاید خواجه نصیر را درباره تربیت، می توان در کتاب های اخلاق ناصری و آداب المتعلمین، ملاحظه نمود. علی الخصوص کتاب اخلاق ناصری که برخی آنرا کاملترین کتاب فارسی در علم اخلاق دانسته اند. این کتاب در حدود ۶۳۳ هجری تألیف شده و چنانکه خواجه در مقدمه کتاب می گوید، مأخذ عمده او در قسمت اول کتاب الطهاره ابن مسکویه و در قسمت دوم تدابیر المنازل ابن سینا و در قسمت سوم کتاب سیاست مدنیه فارابی است و از کتاب آداب ابن مقفع روزبه و رسائل افلاطون و ارسطو و یعقوب کندی نیز پاره ای مطالب را نقل کرده است.^{۲۳}

درباره آثار قدما درباره تعلیم و تربیت، سخن پیازه روانشناس مشهور سوئیسی را می توان پذیرفت که بطور کلی درست است که کمال مطلوب فعالیت و اصول روش های جدید تربیت را می توان به کسانی از خلال آراء قدمای عالیقدر آموزش و پرورش باز یافت.^{۲۴} «بررسی نظریات بوعلی سینا، امام محمد غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی می رساند که حتی در گذشته مربیان بزرگ ما متوجه اصول تعلیم و تربیت بوده و پیوسته کوشش داشته اند که تعلیمات را بر اصول معینی استوار سازند.^{۲۵}

از این رو، سعی ما در این نوشته بر آن بوده است که با بررسی و جستجو در کتب این مربیان، اصول تعلیم

وتربیت کودک را از نظرگاه آن‌ها، استخراج و ارائه نماییم. در این تفحص، نظریه‌بران بوده که اصول مذکور به شکلی نظام‌مدار مطرح شود و حاوی موضوعات و عناوینی باشد که امروزه در کتب تعلیم و تربیت مورد اعتنا و محل توجه می باشد.

نکته دیگری که در بیان آراء بوعلی، غزالی و خواجه نصیر درباره تربیت کودک، مقصود بوده است، شرح میانی اسلامی آراء ایشان می باشد، چه، این بزرگان، اندیشمندانی هستند که در بستر فرهنگ اسلامی پرورده و رشد یافته‌اند و آبشار وحی بر جوامع آنها پرتو افشانی می کرده است. لذا بسیاری از تفکرات و اندیشه‌هایشان، از سرچشمه اسلام سیراب شده است. درباره غزالی این نکته را به خوبی می توان دریافت؛ چرا که او خود در همه چیز از دریچه اسلام و شرع می نگریست و اقوال او در همه مواضع، استناد به آیه و روایت می یابد و از آن رنگ بومی گیرد.

بوعلی نیز گرچه خود با تصریح، ریشه‌های فکری خویش را روشن ننموده ولی برای آشنایان با فکر و زندگی وی، درباره آراء و عقاید وی با فرهنگ اسلامی، محل درنگ و تردید نیست. درباره وی آورده‌اند که «هرگاه مسئله‌ای [فکری] براو مشکل می افتاد، به مسجد جامع می رفت و به تضرع از خدا می خواست تا آن مشکل گشوده شود. [و] از درگاه باری تعالی نیز نومید باز نمی گشت.»^{۲۶}

نگاهی به آثار خواجه نصیر نیز گویای ریشه‌های اسلامی در تفکر وی

می باشد و چه دلیلی بر این پیوند استوارتر از آن که وی را یاور دین نامیده‌اند و به یادآوریم که وی را یاور دین نامیده‌اند و به یادآوریم که وی متفکری بیش نبود و انگیزه‌ای دیگر در شمیة او به این نام نمی تواند وجود داشته باشد، جز حمایتی که وی از تفکرات دینی بواسطه نشر اندیشه‌های خود نمود، اندیشه‌هایی که خود مایه از دین گرفته بودند و وامدار آن بودند.

فلذا در شرح و بسط آراء مربیان مذکور، چنانکه آمد، به ضرورت به بیان مایه‌های اسلامی این نظرات پرداخته و خاستگاه آن را در تفکر اسلامی نشان می دهیم و البته در این زمینه از شرح و تفصیل احتراز نموده، به اجمال این پیوند و علاقه را روشن نموده ایم.



پاورقی:

- ۱ - Arnold و Gesell (۸۸۰-): روانشناس کودک و متخصص بهداشت کودکان است که تحقیقاتی درباره مراحل رشد و تکامل حرکتی کودک بعمل آورده است. (ر. ک: فرهنگ علوم رفتاری، ص ۵۰۲).
- ۲ - روانشناسی رشد ص ۱۶۰.
- ۳ - مختصر روان پزشکی ص ۳۲.
- ۴ - تاریخ روان شناسی ص ۹۲ - ۹۳.
- ۵ - Maria - Montessori (۱۸۷۰ - ۱۹۵۲) مربی و پزشک معروف ایتالیایی است که روی آزادی و کنترل شخصی کودک تأکید می کرد. (ر. ک. فرهنگ علوم رفتاری ص ۵۲۴).
- ۶ - Margaret - Mead (۱۹۰۱ -) مردم شناس آمریکایی است که روش مطالعه دوره کودکی را در فرهنگ‌های نخستین معمول ساخت. (ر. ک: فرهنگ علوم رفتاری ص ۵۲۱).

- ۸ - التریبه فی الاسلام ص ۱۸۷.
- ۹ - کتاب مذکور در سال ۱۳۵۰ ه. ق، در تونس توسط حسن حسنی عبدالوهاب (وزیر تونس) به طبع رسیده است.
- ۱۰ - قیروان از شهرهای تاریخی کشور تونس است و زبان‌شناسان معتقدند که کلمه قیروان معرب کاروان است.
- ۱۱ - منسوب به زرنوق یازرنوق در ماوراء النهر، از نواحی ترکستان.
- ۱۲ - برخی نویسندگان کتاب آداب المعلمین «منتسب به خواجه نصیر طوسی» را از آن زرنوچی دانسته‌اند.
- ۱۳ - فهرست جامعی از کتب مذکور را می توان در منابع زیر بدست آورد:
- الف - «التریبه فی الاسلام او التعلیم علی رأی القابسی»، دکتر محمد فواد اهلوانی، قاهره، ۱۹۵۵ م.
- ب - «التریبه والتعلیم فی الاسلام»، دکتر محمد اسمع طلس، بیروت، ۱۹۵۷ م.
- ج - تاریخ فرهنگ ایران، دکتر عیسی صدیق، ۱۳۴۲ ه. ش.
- د - «پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام، دکتر محمد غفرانی، ۱۳۵۷ ه. ش
- ه - «تاریخ آموزش در اسلام» دکتر شلبی، تهران، ۱۳۶۱ ه. ش.
- و - چهارده مقاله و گفتار، دکتر حجتی، تهران، ۱۳۶۱ ه. ش.
- ز - «آداب تعلیم و تعلم در اسلام» دکتر حجتی، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۳۶۴ ه. ش.
- ح - نگاهی به تاریخ آموزش و پرورش اسلامی ... محمد پروین گنابادی، مجله تربیت، سال سی و دوم شماره سوم.
- ۱۴ - دانش مسلمین ص ۲۷۸.
- ۱۵ - تاریخ فرهنگ ایران ص ۱۳۲، ۱۳۶ از ۱۳۷.
- ۱۶ - مقدمه کیمیای سعادت (تصحیح خدیو جم) ص ۲۷۸.
- ۱۷ - ملا محسن فیض در مقدمه المحجة البیضاء ذکر می کند که غزالی در اواخر عمر هدایت یافته و به شرافت شیمی بودن متشرف

«فرم اشتراک ماهنامه تربیت»

نام و نام خانوادگی:	شغل:
نشانی دقیق پستی: استان	منطقه
خیابان:	شهرستان
کد پستی:	کوچه:
	پلاک:
	تلفن:

طریقه اشتراک ماهنامه تربیت

تمامی علاقمندان به ماهنامه تربیت جهت اشتراک سالیانه، می توانند حق اشتراک خود را به حساب «۹۰۰۳۰ بانک ملی، شعبه کریمخان زند تهران»، واریز کرده واصل فیش بانکی را به همراه تکمیل شده فتوکپی فرم بابت پستی به نشانی «تهران - میدان بهارستان - خیابان اکباتان - ساختمان شماره یک آموزش و پرورش قسمت توزیع ماهنامه» ارسال نمایند.

حق اشتراک سالیانه (دوازده شماره در سال) ۷۲۰ ریال می باشد.

نظریات علمای...

- شده است. (ر.ک: المحجة البيضاء ص ۱۸ - تاریخ فلسفه در جهان اسلامی ص ۵۳۵ - غزالی نامه ص ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۲۰ - ریحانة الادب ج ۲ ص ۱۷۷ - ۲۱ - اخلاق ناصری ص ۲۸ - ۱۶ - ۲۲ - ریحانة الادب ج ۲ ص ۱۷۷ - ۲۳ - تاریخ فرهنگ ایران ص ۱۶۲ - ۲۴ - روانشناس و دانش آموزش و پرورش ص ۱۱۶ - ۲۵ - جامعه و تعلیم و تربیت ص ۲۸۰ - ۲۶ - تاریخ فلسفه در جهان اسلام ص ۴۵۰

تربیت و انقلاب...

شیوه جدید استعمار بود که معلم درست کند، فیلسوف درست کند، مکتب دار درست کند، و با روش این مکتب به تأسیس نظام اقدام نماید. حزب توده در هر جایی که روز اول وارد می شد به عنوان تأسیس یک حکومت و یک نظام، قدم بر می داشت و اولین فردی که توده ای می شد به نیت براندازی نظام و تأسیس یک نظام جدید دعوت می گردید و در این رابطه حرکت می کرد و می اندیشید، اما شما که مسلمان و معتقد به خدا بودید و میلیونها نفر از شما به وجود می آمد از یک میلیون نفر مسلمان نیز یکی نبود که اسلام را براساس تأسیس نظام و تشکیل حکومت مطرح کند یعنی

تأسیس حکومت و تشکیل هیئت حاکمه را از نظام حکومتی اسلام و نظام اعتقادی مردم حذف کرده بودند. این یک شیوه استعمار بود. یعنی هر کس توده ای می شد بلافاصله به فکر تشکیل حکومت می افتاد اما هر کس مسلمان می شد به فکر تشکیل حکومت اسلامی نمی افتاد. اینک ما در سالگرد آن روزی هستیم که شما رای بر تشکیل حکومت اسلامی دادید و به خاطر بیدار شدن از یک خواب طولانی استعماری که جامعه ما به آن مبتلا بود، توانستید چنین کاری بکنید.

ادامه دارد
